



تاوان بی خبری و بی خریدی تاریخی

خجری دیگر از پشت به پیکر پژوهشکده باستان شناسی!

یادداشت دکتر حکمت اله ملاصالحی

(استاد دانشگاه تهران و عضو هیأت امنای بنیاد ایرانشناسی)

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

فارغ از هر نوع سوگیری، فارغ از هرگونه دلبستگی و تعلق خاطر حرفه ای و رشته ای و پیراسته از داوری جانبدارانه، شواهد فراوان در دست است که هر انسان واقع بین و خوش فهم و دوستدار خرد

و منطق را متقاعد می کند که بپذیرد؛ در میان رشته ها و دانش های نوظهور روزگار ما رشته و دانش باستان شناسی و باستان شناسان، در کشف و دستیابی به منابع و ماده های جدید شناخت اعم از نوشتاری و نانوشتاری تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشری ما هم در صف مقدم ایستاده اند هم به شانه رشته ها و دانش های مرتبط افق ها و چشم اندازهایی از آگاهی و معرفت تاریخی را بروی ما گشوده اند که دو سده پیش تصورش در ذهن در نمی گنجید.

منابع و ماده های شناختی را که طی هزاره های متمادی متروک و مفقود و مدفون بودند و ناشناخته و نامکشوف و غایب از نظر و منظر آگاهی ما اینک پیش روی ما و زیر سقف و پشت شیشه و ویتترین موزه های عالم مدرن در برابر ما. این سخن یک ادعا نیست. حجم سنگینی از منابع و ماده های مکشوف دست باستان شناسان گواه بر چنین ادعائیسست و مهر تائید بر راستی و درستی سخن ما می نهند. کارنامه حرفه ای و پژوهشی و مطالعات میدانی پرهزینه و عمرخوار دانش باستان شناسی و باستان شناسان به کاوش و کشف منابع و ماده های شناخت متروک و مفقود و مدفون ناشناخته از لایه ها و نهشت های باستان شناختی، محدود و بسنده نمی شود.

دانش باستان شناسی بمدد و با همکاری رشته ها و دانش ها و تخصص های مرتبط دیگر در روشنگاه پرسش های جدید، داوری های نو، تبیین ها و بازخوانی ها و معنا کاوی ها و تفسیرهای تازه، افق های تازه ای از آگاهی از دانش و دانائی از فهم نو را از عقبه تاریخی و پیشینه فرهنگی و سابقه اجتماعی و فرایند پیچیده جغرافیای پرچین شکن هستی و چیستی انسانی و انسان بودن ما چونان هستندگانی تاریخمند و چند میراثی بروی ما گشوده اند که در نوع خود بی سابقه اند.

در سپهر رشته ها و دانش های انسانی هیچ رشته و دانشی آنگونه که دانش باستان شناسی و باستان شناسان هر بار با کشف منابع و ماده های تازه تنور کنجکاوی ها و کشش ها و کنش ها و خیزش های شناختی و شناخت ورزانه ما را که از جمله شاخصه ها و امکانات وجودی بشری ما را شامل می شوند؛ گرم و شعله بیز نکرده است. در روزگار بحران ها و چالش های عظیم تخریب های گسترده و نابودی پی به پی محوطه های باستانی و مآثر تاریخی و موارث تاریخ و فرهنگ جامعه و جهان بشری ما باستان شناسان همچنان در صف مقدم آگاهی بخشی و صیانت و حفاظت و حمایت و تدبیر و

چاره اندیشی و پاسداری و مرمت و بازسازی و معرفی مآثر تاریخی و مواریث تاریخ و فرهنگ جامعه و جهان بشری ما اعم از ملموس و ناملموس، ایستاده اند. برای آغازین بار شاهد نگارش و تحریر و تدوین تاریخ بشر در مقیاسی انسانشمول بمدد و بوساطت و بر زمینه منابع و بر شانه ماده هائی هستیم که بخش اعظمشان را باستان شناسان کاویده اند و کشف کرده اند و در اختیار ما نهاده اند. کمتر رشته و دانش یا علمی یا سنت اعتقادی و نظام فکری را شما می یابید که در نگارش و تحریر و تدوین تاریخ و عقبه تاریخی اش از خوان ضیافت منابع و ماده های باستان شناسی مدد نجسته و بهره نبرده باشد. موزه های عالم مدرن بدون منابع و ماده های مکشوف دست باستان شناسان هرگز و هیچگاه به چنین غنایی نبودند که اینک هستند. اینها همه مصداق ها و مشت های کوچک گشوده از خرمن های عظیمی از کارنامه دانش باستان شناسی و خروارهایی از کار و کارنامه مطالعات میدانی و نامیدانی باستان شناسان است. البته و صد البته نه روایت و حکایت مو به مو و نکته به نکته دستاوردهای عظیم رشته و دانش باستان شناسی و یا به مفهوم جامع تر علوم باستان شناختی. قیامتی که باستان شناسان

در روزگار ما بپا کرده اند در تاریخ بی سابقه است. قیامتی از کشف منابع و ماده های شناخت جدید. قیامتی از طرح پرسش ها و مسئله های ریز و درشت تازه. قیامتی از دادوستدهای عظیم علمی و فکری در مقیاسی جهانی میان عالمان و اندیشمندان و پژوهندگان روزگار ما. قیامتی از گفتمان های بینافرهنگی میان فرهنگ ها و فرهنگ شناسان روزگار ما. قیامتی از داد و ستد و تبادل اندیشه ها و دانش ها و دستاوردهای علمی.

تاسف و تاثرانگیز است که این رشته و دانش نوبنیاد و عمیقاً تاثیرگذار بر اندیشه و آگاهی و فهم تاریخی انسان روزگار ما در جامعه پسا انقلاب میهن ما مورد بی مهری قرار می گیرد. تاوان سنگین این بی مهری و جفای بر باستان شناسان را مآثر تاریخی و مواریث فرهنگی مُلک و ملت ما می باید می پرداختند که پرداختند و همچنان می پردازند! تضعیف و تخفیف و تحقیر گام به گام باستان شناسان و پژوهشکده باستان شناسی که حکمت، خرد، منطق، معرفت، معنا و در یک کلام فلسفه وجودی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را بدون حضور موثر باستان شناسان و پژوهشکده باستان شناسی نه می توان درست فهمید و

نه راست معنا و درست تعریف کرد؛ تخفیف و تضعیف و محدود کردن و ایجاد مانع تراشی های پی به پی و ایجاد انقباض و انسداد در تحرک و تحقق طرح ها و برنامه های پژوهشکده و گماردن و بر صدر نشاندن ناباستان شناسان میراث شناسی فرصت طلب و کاسبکار بر کرسی معاونت های پژوهشگاه از آغاز فکری باطل بوده است و فعلی ضد ملی و پرهزینه و خسارتبار برای کشور.

از کارنامه سیاه و افکار و اقوال و اعمال ضد ملی و ضد میهنی مدیران دولت های نامحمود و ناحسن پیشین در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی درس عبرت بیاموزیم و گام بر گام آنها ننهیم و بیش از این پژوهشکده باستان شناسی را تضعیف نکنیم و دست از به حاشیه راندن و بی مهری و جفای به باستان شناسان کوتاه کنیم. در مسیرهای کژ و باطلشان گام برنگیریم که توانش سنگین است و عواقبش خطرناک و تبعاتش خطرخیز برای کشور.

یک وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی توانا و دانا و کارآمد، با دست و دامنی پر از خدمت و کارنامه درخشان بدون حضور فعال پژوهشکده باستان شناسی بدون بر شانه گرفتن

مسئولیت های خطیر اداری و اجرایی و حقوقی و علمی و عملی پژوهشکده و بدون حضور موثر باستان شناسان، نه تنها ممکن نیست که پر هزینه و پر خسارت برای کشور است. پژوهشکده های باستان شناسی در بسیاری کشورها علی الخصوص کشورهای توسعه یافته ذیل هر نام و عنوانی زیر خیمه هر نهاد و سازمان و تشکیلات و وزارتی که تعریف شده اند فعالیت می کنند. اتفاقاً از نهادهای بسیار قدرتمند و بسیار تاثیرگذار بلحاظ فرهنگی هستند. در ارتقاء آگاهی تاریخی و حساسیت جامعه به صیانت از موارث فرهنگی کشور خود حضور پر رنگ دارند. نقش و سهمشان در رشد فرهنگی و در برافراشتن پرچم همبستگی اجتماعی و وفاق ملی در این جوامع بسیار تعیین کننده بوده است. این همان چیز است که خوشایند و به منفعت مطامع باندهای تبهکار و لات و لوط های قاچاقچی موارث فرهنگی جامعه پسا انقلاب ما نیست. خوشایند و بمنفعت جماعتی تاجر پیشه فرصت طلب که دهه هاست زیر خیمه مدیریت ها و معاونت های سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری پیشین و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی پسین هم نیست. متأسفانه تا بازار آن باندهای تبهکار و لات و

لوط ها و قاچاقچیان مواریث فرهنگی کشور گرم است و سفره های رنگارنگ و مغذی و مقوی وزارت بروی این جماعت، کاسبکار تاجرپیشه گشوده است امید چندان به بهبود اوضاع نیست. تاریخ ما ایرانیان گرانبار از تیرها و تیغ ها و خنجرهائیست که در لحظه ها و بزنگاه ها و پیچ های خطرخیز و گلوگاه های سخت تاریخی از پشت، پیکر مُلک و ملت ما را دریده است. تخفیف و تحقیر و تضعیف پژوهشکده باستان شناسی و پروا و پرهیز حتی از بردن نام باستان شناسی و باستان شناسان خنجر دیگرست که از پشت لات و لوط ها و باندهای تبکار حرفه ای قاچاقچی مواریث کشور دست در دست و همسو و همراه با عناطر فرصت طلب میراث شناس و فرهنگ ناشناس تاجرپیشه که سالهاست زیر خیمه وزارت میراث فرهنگی... زر می برند و زر می اندوزند پیکر پژوهشکده و میراث کشور را می دردا! برای این جماعت مآثر تاریخی، مواریث فرهنگی چونان فرش بهارستان است و غنیمت در دست فاتحان که می باید تکه تکه اش کرد و به تاراجش داد! متأسفانه صدرنشینان وزارت میراث فرهنگی از مزایای عظیم پژوهشکده و دانش باستان شناسی که در باب پاره ای از مصادیقش

مجمعل و موجز و فهرست وار در پیش سخن رفت؛ بوئی نبرده اند و موئی نمی دانند. و از این غفلت و بی خبری و نادانی و جهل تاریخی چه زیان های سنگین ندیده ایم و چه گران توانش را نپرداخته ایم! همانقدر که کژفهمی در دین همه کژفهمی های دیگر را یکجا در خود جمع دارد. در جهل تاریخی هم همه جهل های دیگر یکجا در آن جمعند. جهل و بی خبری از مزایای دانش باستان شناسی و باستان ناشناسی و نادانی باستان شناسانه معلول همین جهل و بی خبری تاریخیست که دهه هاست گریبان و گلوی جامعه ما را می فشارد و می خراشد.

زمانی برای دستیابی به اطلاعات معتبر و قابل اعتماد و اعتنا درباره انسان و جهان، درباره اتفاقات و تحولات گذشته تنها منابعی که در اختیار بود؛ کتب مقدس و گزارش های مورخان و سفرنامه نویسان بود. حتی بخش بزرگی از منابع نوشتاری اعم مسکوکات و کتیبه ها و سنگ نوشته ها که بر پیشانی و سینه کوهها و صخره ها از ادوار گذشته بجای مانده بودند؛ برغم آنکه مردم آن روزگاران آنها را می دیدند لیکن همچنان برایشان نامکشوف و ناشناخته و ناخوانده بودند. دانش باستان شناسی را به مفهوم مدرن آن نمی

شناختند. در روزگار ما برای آعازین بار کلنگ باستان شناسان و دانش باستان شناسی چابک و چالاک تر از قلم مورخان در صف مقدم اندیشه و آگاهی و دانش و دانایی تاریخی ما گام برمی گیرد و پیشینه تاریخی و عقبه فرهنگ، جامعه و جهان بشری ما را تا آنسوی مرزهای تاریخ طبیعی لایه به لایه می کاود و می یابد و می نگارد.

اگر نگوئیم دانش باستان شناسی مهمترین؛ بی تردید یکی از مهمترین منابع شناخت ما درباره تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشریست. فرهنگهای مادی مورد مطالعه باستان شناسان، انسانشمول هستند. در همه لایه ها و نهشت های باستان شناختی یافته می شوند. محدود به ادوار خاص تاریخی بمانند منابع نوشتاری نمی شوند. موارد

استفاده آنها نیز محدود به جامعه ها و جمعیت های خاص نیست. ملموس و عینی و همه سویه در همه عرصه های زندگی ما حضور دارند. حضوری مستقیم و بی واسطه و فعال بر صحنه. افقهایی که دانش باستان شناسی به وساطت همین فرهنگهای مادی معیوب و مثله و الکن از سپهرهای نهان و آنسوی رخدادها و

روندها و دگرگونیهای تاریخی، فکری و فرهنگی جامعه و جهان بشری ما بروی ما گشوده اند در فرهنگها و جوامع گذشته مسبوق به سابقه نبوده است. کاویدن و کشف و گردآوری و فراخواندن آثار و اجساد مردگان گذشته و بازخوانی و کرده ها و کردارهای گذشتگان محشر کوچکی نیست که باستان شناسان در تاریخ بپا کرده اند. تضعیف و تحقیر و تخفیف پژوهشکده باستان شناسی در عصر سیطره و سروری تاریخی و تاریخ مدارترین تمدنها در تاریخ بشر خیانتی است خبیثانه به تاریخ و فرهنگ مُلک و ملت ما. متقابلاً و بالعکس تقویت و فراختر کردن دامنه مسئولیتها و وظایف پژوهشکده باستان شناسی و قدردانی و قدرشناسی و گشودن دست باستان شناسان در ارائه طرح و برنامه های علمی و عملی شان خدمتی است بزرگ به تاریخ و فرهنگ کشور.

به یزدان اگر ما خرد داشتیم
کجا این سرانجام بد داشتیم